

فلسفه واخلاق نقد

به کوشش محمد اکوان / قدرت الله قربانی



مجمع فلاسفه ایران
حلقه انتقادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فلسفه و اخلاق نقد

به کوشش

محمد اکوان

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

قدرت‌الله قربانی

دانشیار دانشگاه خوارزمی



مجمع فلاسفه ایران
حلقه انتقادی



سرشناسه	: اکوان، محمد، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: فلسفه و اخلاق نقد/به‌کوشش محمد اکوان، قدرت‌الله قربانی؛ [برای] مجمع فلاسفه ایران -حلقه انعقاد.
مفصلت‌نام نشر	: تهران: فرزانگی، ۱۳۹۰.
مفصلت‌نام ناشر	: ۲۶۹ ص.
شابک	: 978-622-99492-2-1
وصف، فهرست، نویسی	: قبا
یادداشت	: کتابخانه.
موضوع	: نقد - مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	: Criticism -- *Addresses, essays, lectures
موضوع	: نقد - ایران - مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	: Criticism -- Iran -- *Addresses, essays, lectures
شناسه افزوده	: قربانی، قدرت‌الله، ۱۳۳۸ -
شناسه افزوده	: مجمع فلاسفه ایران
رده بندی کنگره	: PNA1
رده بندی دهلی	: ۸۰۱/۹۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۶۰۵۷۱۹
وصفیت، رکورد	: قبا

فلسفه و اخلاق نقد

تألیف و گردآوری:	محمد اکوان/ قدرت‌الله قربانی
ناشر:	انتشارات فرزانگی
ویراستار:	فاطمه محمد
صفحه‌بندی و صفحه‌آرایی:	نادر قلیزاده
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۹۹۴۹۲-۲-۱
نوبت چاپ:	اول
سال نشر:	۱۴۰۰
شمارگان:	۴۰۰ نسخه
قیمت:	۹۵۰۰۰۰ ریال

تمامی حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است. تکثیر و تولید مجدد آن بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

توزیع: کتاب تفرید، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۶۲۹۰۱ همراه: ۰۹۱۲۵۲۵۱۱۳۶

www.tafrid.ir

پست الکترونیکی: p.farzanegi96@gmail.com

فهرست نوشتارها

صفحه	عنوان
۷.....	مقدمه؛ نقد چرا و چگونه؟ دکتر محمد اکوان
۱۳.....	پیش گفتار؛ نویسنده‌ها و نوشتارها. دکتر محمد اکوان / دکتر قدرت الله قربانی
۳۷.....	سیر تاریخی شکل‌گیری مفهوم نقد در دوران مدرن. دکتر سید مصطفی شهرآیینی
۷۱.....	اخلاق نقد قدرت سیاسی در ایرانِ دورهٔ مشروطه. دکتر حسین آبادیان
۱۰۳.....	نگاهی به جغرافیای «اخلاق نقد». دکتر علی‌اکبر عبدالآبادی
۱۲۳.....	خوانشی تحلیلی - انتقادی از ملی‌گرایی ایرانی و اخلاقیات آکادمیک همبستهٔ آن در آغازین دهه‌های قرن اخیر. دکتر رضا ماحوزی
۱۵۵.....	نقد و تجدد؛ نقد: حقیقتِ «حال» است و حالِ «حقیقت». دکتر علی مرادخانی
۱۶۳.....	ابن‌سینا؛ نقد و فرانقد: مطالعهٔ موردی کتاب المباحثات. دکتر حامد آرضانی

- ۲۱۹.....موانع نقد در حوزه دین.....
دکتر قدرت‌الله قربانی
- ۲۵۱.....موانع نقد در دنیای سیاست با تکیه بر ایران و جهان اسلام معاصر.....
دکتر محمدحسین جمشیدی
- ۳۰۹.....موانع و معادات تحقق نقد.....
دکتر مهدی عباس‌زاده / دکتر حمید امیرچقماقی
- ۳۳۹.....نقد ساختار شکنانه بر «نقد» در ایران.....
دکتر محمد اصغری
- ۳۶۷.....فقدان اخلاق نقد در گفتمان علمی و فرهنگی ایران امروز.....
دکتر حسن مهرنیا
- ۴۰۳.....اخلاق نقد در قلمرو روشنفکری دینی.....
دکتر جلال پیکانی
- ۴۳۵.....آسیب‌شناسی اخلاق نقد اندیشه‌های جدید در حوزه علمیه قم.....
دکتر سید شهاب‌الدین حسینی

نقد: چرا و چگونه؟

۱. چرا و چگونه باید نقد کرد؟ گوهر اندیشیدن، به معنی واقعی، نقادی کردن است. اگر فلسفه را به معنی اندیشیدن و تفکر بدانیم، نه پرداختن به اندیشه‌ها، آنگاه نقد و سنجش در فرایند شکل‌گیری تفکر صورت می‌پذیرد و این صورت-پذیری نقد، عین تفکر و اندیشیدن است و ماهیتی جدا از آن ندارد. تفکر-خواه به معنی عام مدنظر باشد یا به معنی نوع معینی که تفکر فلسفی نامیده می‌شود - و نقد دو فرآیند مستقل نیستند که باید پس از تحقق در کنار یکدیگر قرار گیرند یا یکی بر دیگری عارض گردد تا تفکر متصف به صفت انتقادی شود. اندیشیدن، به هر معنایی که باشد، با پرسش آغاز می‌گردد و با پرسش تداوم می‌یابد و هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد؛ چون پایان تفکر و پرسش پایان حقیقت موجودیت انسانی است. پرسش عین تفکر و به همان‌سان عین نقد و سنجش‌گری است. فلسفه عین تفکر است و حقیقت تفکر بر پرسش استوار است و چون پرسش مساوق نقد و سنجش است پس ماهیت تفکر فلسفی چیزی جز نقد و نقادی نیست.

۲. تداوم حیات تفکر فلسفی بسته به نوع پرسشی است که در فلسفه مطرح می‌شود. مقصود این است که اگر پرسش فلسفی پرسش زمان و زمانه و ناظر بر واقعیات زندگی و نیازهای حقیقی انسانی نباشد و بر حقیقت و حقیقت‌جویی تکیه نداشته باشد و به واکاوی انتقادی امور و مسایل برای روشن‌سازی و تمایز درست از نادرست توجه نداشته باشد، نه تنها مفید و مؤثر نخواهد بود، بلکه مانعی

۸ فلسفه و اخلاق نقد

بزرگ برای بالندگی و سیورورت آن به شمار می‌آید و عامل توقف آن خواهد بود. تفاوت «پرسش حقیقی» real question و «شبه پرسش» pseudo-question در این است که در پرسش حقیقی آنچه هدف پرسش کننده برمدار آن قرار می‌گیرد حقیقت‌یابی است. در چنین وضعیتی پرسش کننده به دنبال درک، فهم، کشف و آشکار کردن حقیقت است. پرسش برای او وسیله و ابزار نیست تا به هرگونه‌ای که شرایط اقتضاء می‌کند آن را به کار گیرد، بلکه پرسش به معنی طرح مسئله است و طرح مسئله عین تفکر است؛ اما در شبه پرسش، پرسش گر به دنبال فهم، درک و آشکار کردن حقیقت نیست، بلکه پرسش را ابزاری می‌داند که از طریق آن به اهداف و اغراض دیگری دست یابد. چنین پرسشی برخلاف «پرسش-حقیقی» نمی‌تواند مولد فکر و اندیشه باشد. به همین سبب «شبه پرسش» با نقد و تفکر انتقادی بیگانه است و به جای روشن سازی و آگاهی بخشی به ابطال و تخریب می‌پردازد و اندیشه را از صرافت و اصالت دور می‌سازد. چون غایت نقد مبتنی بر روشن سازی و آگاهی بخشی است و این همان یکسانی نقد و پرسش و تفکر است در صورتی که «شبه پرسش» هیچ یک از این‌ها نیست. زمانی تفکر از پویایی و تحرک باز می‌ایستد و رسالت خود را از دست می‌دهد که «شبه پرسش» به جای «پرسش حقیقی» بنشیند و ایفای نقش کند.

تفاوت دیگر «پرسش حقیقی» و «شبه پرسش» در این است که «پرسش حقیقی» به هیچ نظام و ساختار فکری خاص محدود و محصور نیست؛ بلکه هرگونه ساختاری را درمی‌نوردد و به فراسوی هرگونه نظام فکری خاص نظر دارد. به بیان دیگر، «پرسش حقیقی» ساختارشکن است و همه حقیقت را منحصر در یک نظام

مقدمه ۹

و ساختار فکری یا در یک نظام فلسفی نمی‌داند. از این رو، «پرسش حقیقی» به حقیقت و حقیقت‌یابی متعهد است، نه به یک ساختار فکری یا نظام فلسفی؛ بنابراین، «پرسش حقیقی» «درزمان» مطرح می‌شود و نه «بازمان»؛ به همین دلیل است که از «درخودماندگی» گذر می‌کند و بالندگی می‌یابد. اگر نقد به معنی پرسش «درزمان» تحقق یابد از زمان فاصله نمی‌گیرد و «درزمان» متحول می‌گردد و زمانه را نیز دگرگون می‌سازد. در این صورت، پرسش، پرسش زمانه خواهد بود و متفکر نیز پرسش زمانه را مطرح می‌کند و برای پاسخ به آن به عوامل بیرون از زمانه تمسک نمی‌جوید.

تفاوت دیگر «پرسش حقیقی» و «شبه‌پرسش» در این است که غایت «پرسش حقیقی» مبتنی بر روشن‌سازی و آگاهی‌بخشی است چنان‌که تفکر اصیل و نقد به معنی حقیقی بر ابیضاح، تبیین و آگاهی‌بخشی استوار است، نه بر ابطال و تخریب. همان تفاوتی که میان «علم» و «شبه‌علم» pseudo-science یا «حقیقت» و «خرافه» superstition متصور است، همان تفاوت را می‌توان در خصوص «پرسش حقیقی» و «شبه‌پرسش» ملحوظ داشت. در «پرسش حقیقی» پرسش‌کننده در جست‌وجوی کشف حقیقت است؛ اما کسی که طرح «شبه‌پرسش» می‌کند دانسته یا ندانسته به راهی قدم می‌گذارد که درنهایت به اختفاء حقیقت منجر می‌گردد.

۳. مسئله دیگری که باید در نقد مورد توجه قرار گیرد کاربرد زبان است، یعنی شایسته است که در نقد از «زبان فراتر» استفاده شود نه از «زبان برتر». تفاوت «زبان فراتر» و «زبان برتر» در این است که «زبان فراتر» بر تعامل و گفت‌وگو استوار است، یعنی نقدکننده تنها اندیشه خود را معیار درستی و داوری قرار نمی-

۱۰. فلسفه و اخلاق نقد

دهد و آن را تنها میزان و مقیاس سنجش نمی‌داند و از پیش، اندیشهٔ دیگری را باطل و بی‌معنی تلقی نمی‌کند، بلکه لازم است اندیشه‌ای که می‌خواهد به سنجش و داوری آن بنشیند به‌عنوان اندیشه‌ای «دیگر» غیر از اندیشهٔ خود که هنوز صدق و کذب آن معلوم نگردیده است، به رسمیت بشناسد. در صورتی که در «زبان برتر» نقدکننده پیش از واکاوی اندیشهٔ مقابل و بی‌آن که در خصوص آن تأمل کرده باشد صرفاً آن را به‌منزلهٔ یک «شبهه» قلمداد می‌کند که وظیفهٔ خود را مرتفع کردن این «شبهه» می‌داند. در چنین شرایطی نقد به معنی حقیقت‌یابی و روشن‌سازی تحقق نمی‌یابد و تعامل و گفت‌وگوی نیز صورت نمی‌پذیرد. «زبان فراتر» زمینه‌های تعامل با اندیشهٔ دیگری را فراهم می‌کند تا نقد و اعتبار سنجی در آن زمینه‌ها شکوفا و فراگیر گردد. مقصود از «زبان فراتر» پذیرش، تسلیم و مرعوب شدن در برابر اندیشهٔ دیگری نیست، چنان‌که در «زبان برتر» به انکار و تخریب اندیشهٔ دیگری پرداخته می‌شود، بلکه مقصود به رسمیت شناختن اندیشهٔ دیگری است و تا اندیشهٔ دیگری به رسمیت شناخته نشود تحقق نقد اصیل امکان‌پذیر نخواهد بود. «زبان فراتر» با تحلیل، تبیین و استدلال سروکار دارد چون تنها با این رویکرد است که می‌توان به روشن‌سازی اندیشه‌ها پرداخت.

۴. نقد را می‌توان دو گونه در نظر گرفت نقد «درون‌ساختاری» و نقد «بیرون‌ساختاری»؛ در نقد «درون‌ساختاری» نقدکننده تلاش می‌کند که به اصول و بنیادهای یک اندیشه یا یک نظام فکری پای‌بند و وفادار باشد در عین حال مسایل مطرح در آن نظام فکری را واکاوی می‌کند و مورد چون و چرا قرار می‌دهد بی‌آنکه اصول و بنیادهای آن را اعتبار سنجی کند و به داوری بنشیند. این کار

اگرچه به خودی خود کار خوبی است، اما نوعی «درخودماندگی فعال» است، در برابر «درخودماندگی منفعل» که حتی تمایل ندارد که در مسایل یک نظام فکری نیز چون و چرا کند. این گونه نقد را «نقد ملتزم» نامیده‌ام، زیرا نقدکننده خود را ملتزم به جانب‌داری از اصول و بنیادهای یک نظام فکری می‌داند و در هیچ شرایطی نمی‌خواهد از آن اصول و بنیادها دست بردارد. در رویکرد «نقد ملتزمانه» هیچ تلاشی برای سنجش مجدد اصول و بنیادهای یک اندیشه یا یک نظام فکری به عمل نمی‌آید، به همین سبب تعاملی هم با دیگر نظام‌های فکری رخ نمی‌دهد چون در «نقد ملتزمانه» منتقد سعی می‌کند اشکالات و موانع جزئی موجود در یک نظام فکری را برطرف نماید و هیچ باوری به اندیشه‌ای جز اندیشه‌ای که خود در قالب آن می‌اندیشد، ندارد. مهم‌ترین عامل بازدارندگی پویایی اندیشه در چنین رویکردی همراه نبودن با زمان است و این همراه نبودن با زمان اندیشه را از کاربردی بودن، به معنی گره‌گشایی باز می‌دارد. در این صورت است که اندیشه، دیگر پرسش‌های زمان را مطرح نمی‌کند و به پرسش‌های زمان پاسخ نمی‌دهد و در نتیجه متفکر، متفکر زمان نخواهد بود.

اما در نقد «بیرون‌ساختاری» که آن را «نقد متعهد» نامیده‌ام نقدکننده در هر شرایطی خود را ملتزم به حفظ اصول و بنیادهای یک اندیشه یا یک نظام فکری نمی‌داند، بلکه تلاش می‌کند که با نقد بنیادی خود بر یک اندیشه یا یک نظام فکری آن را از «درخودماندگی» - خواه فعال و خواه منفعل - خارج سازد و بر پویایی و بالندگی آن بیفزاید. در رویکرد «نقد متعهدانه» منتقد هیچ التزامی به ساختار یک اندیشه یا یک نظام فکری ندارد، بلکه «تعهد» او به میزان کارایی و

۱۲ فلسفه و اخلاق نقد

گره‌گشایی از مشکلاتی است که یک نظام فکری لازم است داشته باشد. تعهد او به تفکر «درزمان» است. «نقد متعهد» به‌جای شرح مسایل مطرح در یک نظام فکری به تفسیر آن می‌پردازد و بنیادهای آن را واکاوی می‌کند تا «درزمان» استمرار یابد و پاسخ‌گوی پرسش‌های زمانه باشد. در «نقدمتعهد» منتقد فقط به حفظ ساختار یک اندیشه یا نظام فکری تعهد ندارد، بلکه به پرسش‌های زمانه و این‌که چگونه می‌توان با نظر به اندیشه‌ای که در زمانه‌ای دیگر شکل گرفته اکنون از آن برای پاسخ به پرسش‌های جدید و متفاوت با پرسش‌های گذشته بهره گرفت، می‌پردازد. دغدغه «منتقدمتعهد» رد و انکار اندیشه دیگری یا حفظ بی‌چون و چرای آن نیست، بلکه دل‌مشغولی او به میزان توانایی پاسخ‌گویی یک اندیشه در مواجهه با واقعیات زندگی و پرسش‌های تازه‌ای است که در یک جامعه و نسل متفاوت مطرح می‌شود.

وهوالمستعان - محمد اکوان

پیش‌گفتار

نویسنده‌ها و نوشتارها

نوشتار نخست با عنوان «سیر تاریخی شکل‌گیری مفهوم نقد در دوران مدرن» نوشته دکتر سید مصطفی شهرآیینی است. ایشان دانشیار فلسفه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است و تحصیلات خود را در رشته فلسفه از کارشناسی تا دکتری در دانشگاه تهران گذرانده است. موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد وی ترجمه بخشی از کتاب «درباره اختیار بشر» اثر شیلینگ از انگلیسی به فارسی است. رساله دکتری او «تفسیر روش‌شناختی کتاب تأملات در فلسفه اولی دکارت» است. آنچه در زیر می‌آید مختصری از کارهای علمی ایشان است: ۱) تألیف «تأملاتی درباره تأملات دکارت، تفسیر روش‌شناختی کتاب تأملات دکارت» انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۸؛ ۲) ترجمه کتاب «قلب اسلام» نوشته دکتر سید حسین نصر، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۳؛ ۳) ترجمه کتاب «در جستجوی امر قدسی» مجموعه مصاحبه‌های رامین جهانبگلو با سید حسین نصر، نشر نی، ۱۳۸۴؛ ۴) ترجمه کتاب «فلسفه اسپینوزا» نوشته ایروول هریس، نشر نی، ۱۳۸۹؛ ۵) ترجمه کتاب «فلسفه دکارت» نوشته جان کاتینگم، نشر نی، ۱۳۹۲؛ ۶) ترجمه جلد چهارم «تاریخ فلسفه راتلج، دوره نوزایی و عقل‌گرایی»، انتشارات حکمت و انجمن حکمت و فلسفه، ۱۳۹۲؛ ۷) ترجمه جلد چهارم «تاریخ فلسفه آکسفورد، عقل‌گرایان»، نوشته جان کاتینگم، انتشارات سمت، ۱۳۹۸؛ ۸) ترجمه کتاب «مابعدالطبیعه ماهیت بشر در فلسفه دکارت»، نوشته جاستین اسکیری، در حال ویرایش و آماده‌سازی نهایی؛ ۹) ترجمه جلد پنجم «تاریخ فلسفه راتلج،

فلسفه بریتانیایی و دوره روشنگری» در مراحل نهایی ترجمه برای انتشارات حکمت. تاکنون حدود ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۱۰ رساله دکتری با راهنمایی ایشان انجام پذیرفته یا در دست انجام است و حدود ۳۰ مقاله علمی و پژوهشی (مستقل یا مشترک) نیز از وی در نشریه‌های گوناگون فلسفی منتشر شده است.

چکیده نوشتار نخست: سخن گفتن از نقد و نقادی امروزه در تاریخ فلسفه، دست کم در زبان فارسی، چنان باکانت و فلسفه نقادی او پیوند خورده که بستر ظهور این نقادی که همانا در دو سه سده پیش از کانت شکل گرفته بود، از نگاه اهل فلسفه دور می‌ماند. از سوی دیگر، در چند دهه اخیر که بحث‌های فلسفه تطبیقی در جامعه بالا گرفته و می‌کوشیم (گاه اندکی شتاب‌زده) گام در راه تطبیق اندیشه‌های فلسفی بگذاریم، دیگر بار توجه به معنا و بستر شکل‌گیری مفهوم نقد هرچه برجسته‌تر شده است. غفلت از سیر تحول مفهوم نقد در تاریخ اندیشه به نوعی سبب می‌شود ما این پدیده مبارک را در تاریخ فلسفه چنان که باید و شاید نشناسیم و به فرآیند رشد و نمو آن در تاریخ اندیشه غرب که از دوران نوزایی آغاز و در دوران جدید به اوج رسید، توجه نکنیم. این بی‌توجهی سبب می‌شود تا به نسبت میان شک و شکاکیت و نقد و نقادی در تاریخ فلسفه پی نبریم و ندانیم که نقد، شاخه‌ای است که اندیشه‌مندان غربی پس از نزدیک به دوست سال غوطه‌وری در گرداب شکاکیت فراگیر و از سر گذراندن فراز و نشیب‌های بسیار، آن را بر درخت کهن سال شکاکیت در تاریخ اندیشه غرب پیوند زده‌اند تا شک را که بنا به آنچه از تاریخ فلسفه در یونان باستان و دوره

پیش‌گفتار ۱۵

نوزایی و اوایل دوران جدید برمی‌آید، ویرانگر و براندازندهٔ بنیادهای اندیشه بوده است، به عاملی سازنده و کارآمد تبدیل سازند.

این مقاله درصدد آشکارسازی همین بستر شکل‌گیری مفهوم نقد در دوران نوزایی و دوران جدید و نسبت آن با شک و شکاکیت تا پیش از ظهور فلسفه نقادی کانت است و در این راه بیش‌تر تلاش می‌شود تا بر بزرگراه‌هایی از تاریخ اندیشه انگشت گذاشته شود که در کلاس‌های دانشگاهی و در متون درسی متعارف در زبان فارسی کم‌تر بدان‌ها پرداخته می‌شود.

نوشتار دوم با عنوان «اخلاق نقد قدرت سیاسی در ایران دورهٔ مشروطه» را دکتر حسین آبادیان نوشته است. ایشان استاد تاریخ معاصر دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) است. او دکتری خود را در رشتهٔ تاریخ از دانشگاه شهید بهشتی اخذ نموده است. از وی ۱۵ جلد کتاب، ۶۵ مقاله علمی پژوهشی، ISI و بین‌المللی منتشر شده و هم‌چنین ۲۳ مقاله علمی ترویجی و مقاله‌های حاصل از شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی دارد. او در سی کنفرانس بین‌المللی در خارج کشور شرکت کرده است. او در دوره‌های دکتری دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، خوارزمی، پیام نور و دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی تدریس کرده، عضو تحریریه چندین فصلنامهٔ پژوهشی و بین‌المللی است و با چندین مرکز پژوهشی بین‌المللی همکاری داشته است. مهم‌ترین کتاب‌های او عبارت‌اند از: (۱) «مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه» (۱۳۷۴؛ ۲) «بحران آگاهی و تکوین روشنفکری در ایران» (۱۳۸۸؛ ۳) «مفاهیم قدیم و اندیشه جدید؛ درآمدی نظری بر مشروطه ایران» (۱۳۸۸؛ ۴) «تقدیر تاریخی اندیشه در ایران دوره قاجار» (۱۳۹۳ و ۵)

«تأثیر نظام بین‌المللی قدرت بر علوم انسانی در ایران؛ مطالعه موردی مارکسیسم»
زیر چاپ.

چکیده نوشتار دوم: در این نوشتار نویسنده نخست معیارها، ضوابط و الزامات نقد قدرت سیاسی را مورد بحث قرار داده و سپس با مطالعه موردی برخی نقدها در مقطع زمانی مشروطه، نسبت بین نقد به مفهوم دقیق کلمه را با برخی رفتارهای سیاسی آن روزگار ارزیابی می‌کند. در این راستا نه تنها برخی منابع تاریخی آن دوره؛ بلکه متون فلسفی هم مورد استفاده واقع شده‌اند تا تحریر محل نزاع به گونه‌ای دقیق انجام پذیرد. این نوشتار بر اساس روش توصیفی - تحلیلی به رشته تحریر درآمده است؛ از آن روی که توصیف نخستین مواجهه با هر پدیدار است، پس نحوه ظهور نقد قدرت سیاسی در مقطع زمانی مورد بحث، با نگاهی انتقادی مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است.

پرسش اصلی نویسنده این است که آیا در دوره مشروطه موازین و الزامات و پیامدهای نقد به مفهوم دقیق کلمه وجود داشته است یا خیر؟ فرضیه نویسنده مبنی بر آن است که نه تنها نقد به مثابه کنشی خردمندانه و فلسفی در مقطع زمانی مورد بحث ناشناخته بوده؛ بلکه حتی الزامات سیاسی نقادی قدرت هم مورد توجه قرار نمی‌گرفته است. نتیجه این وضعیت، بحران در نظر و هرج و مرج در عمل بود که مانع از مفاهمه و برقراری گفت‌وگو بین گروه‌های سیاسی و اجتماعی مختلف می‌شد؛ بنابراین، هدف نویسنده نشان دادن نسبت نظر و عمل در دوره مشروطه ایران است.

پیش‌گفتار ۱۷

نوشتار سوم با نام «نگاهی به جغرافیای اخلاق نقد» نوشته دکتر علی‌اکبر عبدل‌آبادی است. وی عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی است. دکتری او در رشته «فلسفه» از دانشگاه تهران بوده است. از او شماری مقالات علمی-پژوهشی به چاپ رسیده است که عناوین بعضی از آن‌ها عبارت‌اند از: (۱) «معنا و متعلق «شهود» در نظریه اخلاقی جی.ئی. مور»؛ (۲) «گستره و دامنه شهود گروهی اخلاقی مور»؛ (۳) «نگاهی تحلیلی-انتقادی به آرای جی.ئی. مور درباره نسبت»؛ (۴) «شهود» با توجیه احکام اخلاقی»، «تقریری از آرای جی.ئی. مور درباره نقش «شهود» در تشکیل تصوّرات و تصدیقات اخلاقی»؛ (۵) «تحلیلی از شهود گروهی اخلاقی هنری سیجویک و نقدی بر آن»؛ (۶) «نگاهی تحلیلی-انتقادی به شهود گروهی اخلاق‌شناختی تامس رید» و (۷) «نگاهی به جایگاه مفهوم «استعلایی» در فلسفه نظری کانت (با توجه به پاره‌ای از مصادیق آن در کتاب نقد عقل محض)». او دبیر علمی دومین همایش «مهر مولانا» بوده است که به همت مؤسسه فرهنگی «سروش مولانا» برگزار شده است. وی عضو شورای علمی نخستین همایش «اخلاق و هنر» که به همت «فرهنگستان هنر» برگزار شده، نیز بوده است. او کتابی از ویلیام دانلد هادسین با عنوان «شهود گروهی اخلاق‌شناختی» ترجمه کرده است که قرار است که به همت «انتشارات حکمت» چاپ شود. وی در مقطع تحصیلات تکمیلی رشته‌های «کلام تطبیقی» و «فلسفه و کلام اسلامی» در دانشگاه شهید بهشتی به تدریس اشتغال دارد.

چکیده نوشتار سوم: نویسنده این نوشتار بر این باور است که یکی از مشکلات مربوط به «اخلاق نقد»، فقدان یا دست‌کم، ضعفِ «نگاهی از چشم

۱۸ فلسفه و اخلاق نقد

پرنده - اصطلاحی که مؤلف از ریچارد پوکر کرانت فیلسوف بریتانیایی وام گرفته است - به جغرافیای «اخلاق نقد» است. مراد از «نگاه از چشم پرنده» به یک موضوع، نگاهی است که در آن همه جغرافیای ممکن آن موضوع در چشم‌انداز واحدی در دیدرس ناظر قرار می‌گیرد و در پرتو آن می‌تواند همه حدود و ثغور ممکن آن موضوع را پیش از ورود به آن موضوع تشخیص دهد تا آن را با موضوعات دیگر در نیامیزد. پیداست که ناظر می‌تواند با چنین نگاهی، به تعبیری دکارتی، تصویری «واضح» و «متمایز» از جغرافیای ممکن هر موضوعی، از جمله جغرافیای «اخلاق نقد»، به دست آورد.

نویسنده این نوشتار، پس از بیان مقصود خود از واژه‌های «اخلاق» و «نقد» و عبارت «اخلاق نقد» کوشیده است تا با نگاهی به جغرافیای ممکن «اخلاق نقد»، نخست سلسله‌ای از فضایل را که هر ناقدی باید در مقام نقد افکار و دلایل دیگران به آن‌ها آراسته گردد، بیان نماید. سپس سعی نموده از سلسله‌ای از قواعدی که هر ناقدی در مقام نقد افکار و دلایل دیگران باید به آن‌ها پای‌بند باشد سخن گوید.

نویسنده فضایل لازم برای «اخلاق نقد» را حقیقت‌طلبی، صداقت فکری، تواضع فکری، احسان فکری، شجاعت فکری و انصاف برشمرده است. قواعد لازم برای «اخلاق نقد» را نیز قاعده «زرین»، قاعده «پرهیز از جزمی‌نگری»، قاعده «پرهیز از پیش‌داوری»، قاعده «سخت‌کوشی در فهم»، قاعده «حمل به احسن» و قاعده «امانت‌داری» دانسته است.

پیش‌گفتار ۱۹

نوشتار چهارم با عنوان «خوانشی تحلیلی - انتقادی از ملی‌گرایی ایرانی و اخلاقیات آکادمیک همبسته آن در آغازین دهه‌های قرن اخیر» توسط دکتر رضا ماحوزی تألیف شده است. رضا ماحوزی، دانشیار فلسفه و عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. وی دکتری خود را از دانشگاه اصفهان اخذ کرده و به مدت دو سال عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران بوده است. حوزه تخصصی ایشان فلسفه دانشگاه، فلسفه علم و فلسفه هنر است. نامبرده تاکنون کتاب‌های (۱) «مفهوم جوهر در متافیزیک تحلیلی معاصر»؛ (۲) «زیبایی در اندیشه سنت‌گرایان»؛ (۳) «فلسفه علم کانت»؛ (۴) «فلسفه دانشگاه در جهان و ایران»؛ (۵) «حامیان علم و فناوری در جهان و ایران» و چندین کتاب دیگر را که به کوشش وی تهیه شده است منتشر کرده است. ترجمه «نزاع دانشکده‌ها» اثر ایمانوئل کانت و ترجمه اثری از خانم پرفسور گنزالس درباره «آموزش و فرهنگ در اندیشه کانت» و همچنین کتاب تألیفی «زیبایی در اندیشه کانت» آثاری است که به زودی از وی منتشر خواهد شد. در سال‌های اخیر عمده تدریس‌ها، مقالات و طرح‌های پژوهشی دکتر ماحوزی در حوزه آموزش و به‌طور خاص، آموزش عالی است.

چکیده نوشتار چهارم: نویسنده این گفتار معتقدند که نظام آموزشی ایران در بحبوحه دو جنگ بزرگ جهانی قرن بیستم، به شدت از فضای بین‌المللی و مناسبات قدرت متأثر بوده است. به این معنی که نظام آموزشی ما در دهه‌های نخست قرن بیستم و اوایل قرن چهارده خورشیدی، متأثر از گفتمان ملی‌گرایانه اروپایی - آسیایی و همچنین مسایل و مشکلات داخلی، مسیر و روش خود را از

۲۰ فلسفه و اخلاق نقد

شیوه‌های سنتی به شیوه‌های جدید تغییر داده است؛ تغییری که در نهایت گفت‌وگوهای ملی‌گرایی را بر صدر نشانده؛ بنابراین، او در این پژوهش درصدد است تا تغییرات وجودشناسانه و معرفت‌شناسانه نظام آموزش عالی ایران را که به وضع اخلاقیات جدیدی برای مراکز آکادمیک و رابطه آن‌ها با جامعه منجر شده است، در دو دهه نخست قرن چهارده خورشیدی، مقارن با تأسیس مدارس عالی و دانشگاه تهران بررسی نماید. به این منظور وی نخست مفهوم ملی‌گرایی و بازتاب آن را در سنت آموزشی آلمان به‌عنوان نمونه‌ای از ملی‌گرایی مدرن اروپایی معرفی می‌کند و سپس تلاش می‌کند تا به کمک آن، فضای حاکم بر ملی‌گرایی ایرانی و اخلاقیات ارزش‌مدارانه و آکادمیک حاکم بر روابط دانشگاه و جامعه در ایران دوره پهلوی نخست مورد واکاوی قرار دهد. سرانجام نویسنده به این نکته توجه داده است که این ایدئولوژی، به‌رغم امتیازات فراوان، در نهایت راه را بر تعدد و تکثر و نقد و دیگرپذیری بست و کشور را وارد دوره جدیدی از تقابل‌های فرهنگی و اجتماعی نمود.

نوشتار پنجم با عنوان «نقد و تجدد؛ نقد: حقیقتِ حال است و حالِ حقیقت» توسط دکتر علی مرادخانی نوشته شده است. ایشان دانشیار و عضو هیأت علمی گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال است. آثار چاپ شده وی هگل و فلسفه مدرن، نشر مهرنیوشا ۱۳۸۵؛ پایان تاریخ در نظر فلاسفه مدرن و پست‌مدرن؛ نشر پژوهشگاه علوم انسانی ۱۳۹۲ و چاپ حدود ۵۰ مقاله در مجله‌های مختلف است. حوزه علائق او بیش‌تر فلسفه اروپایی و ادب و هنر ایران‌زمین است.

پیش‌گفتار ۲۱

چکیده نوشتار پنجم: در این نوشتار، نویسنده با تلقی خاصی از تجدد آن را با نقد یکی دانسته است. به اعتقاد او تجدد یک نظم و انتظام خاصی در زندگی است که از قرن هجدهم به بعد بسط پیدا کرده است. تکوین این نظم و انتظام از امور با نقد قرین شده است. قرن هجدهم، یعنی دوره روشنگری دوست داشت خود را قرن فلسفه و قرن نقد بنامد. فلسفه، نقد و تجدد حکایت از یک وضع دارند و لذا همسایگان دیوار به دیوار هستند. در قرن هجدهم این نظم و انتظام معقول زندگی حیث تاریخی - زمانی پیدا می‌کند. انسان نیکی و بدی نهفته در نهاد خویش و شادی و غم قضا و قدر را با میزان عقل و نقد می‌بیند و حواله آن را به تعبیر خیام به چرخ و فلک بیچارگی و به تعبیر کانت مهجوریت می‌داند.

نوشتار ششم با عنوان «ابن‌سینا؛ نقد و فرانقد: مطالعه موردی کتاب المباحثات» تألیف دکتر حامد آرضایی است. وی اکنون عضو هیأت علمی و استادیار دانشگاه امام صادق (ع) است. او در رشته فلسفه و کلام اسلامی تحصیل کرده و دکترای خود را در گرایش حکمت متعالیه از دانشگاه تربیت مدرس اخذ نموده است. حوزه پژوهشی او در زمینه تاریخ فلسفه اسلامی بوده و بیش‌تر به نظریه‌های علم‌شناسی فیلسوفان مسلمان پرداخته است. در سال‌های اخیر، تمرکز مطالعات او در فلسفه ابن‌سینا و فلسفه طبیعی - به‌عنوان حوزه‌ای مرزی میان فلسفه و علوم طبیعی در جهان اسلام - بوده است. همین امر سبب شده است که وی در مقالات اخیر خود به ساحت‌هایی مانند نگرش‌های فلسفی پزشکان دوره اسلامی، روش‌شناسی پزشکی دوره اسلامی و اندیشه‌های فلسفی طبیعی‌دانان جهان اسلام پردازد. وی هم‌چنین آثاری را در زمینه فلسفه طبیعی با همکاری دیگران به

۲۲ فلسفه و اخلاق نقد

فارسی ترجمه نموده است. وی با شرکت در چند همایش مرتبط با تاریخ علم دوره اسلامی دست‌آورد‌های پژوهشی خود را منتشر نموده است. هم‌چنین همکاری با فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران این فرصت را برای او فراهم آورده تا در گروه‌های مطالعاتی میان‌رشته‌ای به مبانی فلسفی دانش پزشکی بیاندیشد. عناوین برخی از آثار منتشر شده وی از این قرار است: (۱) «درآمدی تاریخی بر فلسفه طبیعی در جهان اسلام»؛ (۲) «ذره‌گرایی در جهان اسلام و نسبت آن با سنت جالینوسی»؛ (۳) «فارابی و نظریه طبقه‌بندی علوم»؛ (۴) «کیمیای دوره اسلامی میان تفسیرهای اشراقیان و تجربه‌گرایان»؛ (۵) «روش‌شناسی پزشکی از منظر ابن‌سینا»؛ (۶) «ابن‌هیثم فیلسوف، ابن‌هیثم ریاضی‌دان؛ تمایزی میان دو ابن‌هیثم»؛ (۷) «مفهوم سلامت و بیماری از منظر ابن‌سینا»؛ (۸) «پژوهشی در نام و لقب علاء‌الدین قرشی مشهور به ابن‌نفیس»؛ (۹) «سلامت و بیماری از منظر حکمت متعالیه».

چکیده نوشتار ششم: سنت‌های علمی و فلسفی پویا همواره با بررسی و نقد اندیشه پیشینیان و هم‌اندیشی و مباحثات علمی با معاصران همراه است. فلسفه اسلامی نیز به‌عنوان یک سنت دانشی در جهان اسلام با نقد و ارزیابی دیدگاه‌های پیشینیان شکل گرفته و در این راستا، در دوره‌هایی معاصران علمی نیز به نقد و بررسی دیدگاه‌های یکدیگر پرداخته‌اند.

در این مسیر ابن‌سینا به‌عنوان شاخص‌ترین چهره فلسفی علمی جهان اسلام با پدید آوردن آثار متعدد در شاخه‌های مختلف دانش و به‌ویژه فلسفه و پزشکی، جایگاه مهمی در سنت علمی و فلسفی تمدن اسلامی دارد. آثار و اندیشه‌های او

پیش‌گفتار ۲۳

با نقد و ارزیابی دیدگاه‌های فلسفی پیشین همراه بوده و خود نیز توسط معاصران و پسینیان مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. از این رو، آثار سینوی مواد خوبی را در عرصه مطالعات نقد در اختیار پژوهشگران می‌گذارد.

امروزه با گسترش یافتن مسئله نقد و نقادی به‌عنوان یکی از زمینه‌های علم-ورزی و نگارش آثار تحقیقی، عرصه‌ای با عنوان فرانقد پدید آمده که از جمله به اصول اخلاقی نقد می‌پردازد. در این مقاله کوشش شده است با تأکید بر یکی از آثار ابن‌سینا، کتاب المباحثات که در آن بررسی و نقدهای بوعلی و معاصران وی انعکاس یافته است، مباحث اخلاق نقد از دیدگاه بوعلی بازخوانی شود. با بررسی عبارت‌های ابن‌سینا ویژگی‌هایی چون نقد‌پذیری، اعتراف به عجز علمی و تضرع به باری‌تعالی در یافتن مسایل، انتخاب مسؤولانه، مطالعه جدی و کوشش درصدد فهم و تفسیر صحیح متن موردنقد و ارائه تصویر درست از دیدگاه‌ها با رعایت اصل خیرخواهی، دقت و شفافیت در بیان، با توجه به اصل صداقت، امانت و شجاعت و همین‌طور اندیشه‌گستری و جست‌وجوی علمی مُجددانه به‌عنوان برخی اصول اخلاقی نقد یافت می‌شود.

نوشتار هفتم با عنوان «موانع نقد در حوزه دین» را دکتر قدرت الله قربانی نوشته است. او اکنون عضو هیأت علمی و دانشیار و مدیر گروه فلسفه دانشگاه خوارزمی است. دکترای او در رشته فلسفه از دانشگاه علامه طباطبایی است. او در کارنامه علمی خود تألیف ۱۰ جلد کتاب، ۴۵ مقاله علمی و پژوهشی، ۳۵ مقاله علمی و ترویجی، ۲۳ مقاله انگلیسی و شرکت در ۱۶ همایش خارجی و ۲۰ همایش داخلی را دارد. وی تاکنون در مدیریت اجرایی و شورای علمی چهار

دوره از همایش بین‌المللی فلسفه دین معاصر مسئولیت داشته است. دکتر قربانی هم‌اکنون سردبیر «دو فصلنامه پژوهش‌های مابعدالطبیعی» دانشگاه خوارزمی است. عنوان برخی از کتاب‌های او به شرح زیر است: (۱) درآمدی بر اندیشه دینی و سیاسی شهید مطهری؛ (۲) «پژوهشی تطبیقی در الهیات دکارت»؛ (۳) «نظریه‌های علم مسیحی در جهان غرب»؛ (۴) «تجربه از منظر ابن سینا و فیلسوفان معاصر علم»؛ (۵) «عقلانیت شیعی و نهضت عاشورا»؛ (۶) «باورهای اسلامی شیعه» (به زبان انگلیسی)؛ (۷) «درآمدی بر اندیشه کلامی امام علی (ع)». او اکنون در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های فلسفه دین و حکمت متعالیه دانشگاه خوارزمی تدریس می‌کند.

چکیده نوشتار هفتم: نویسنده معتقد است که حوزه دین، شامل دین‌داری و معرفت دینی مؤمنان، از فقدان نقدهای اصولی و مشفقانه رنج می‌برد. او در این نوشتار موارد زیر را از موانع عمده نقد در این حوزه دانسته است: عدم تفکیک دین از معرفت دینی و دین‌داری، نگرش انحصاری نسبت به دین، تقدس‌گرایی افراطی، گسترش عوام‌گرایی دینی، محوریت احکام و شعائر نسبت به باورهای دینی، شخص‌محوری دینی و غفلت از پیام اصلی دین، عاطفه‌گرایی و هیجان-محوری، غلبه نگرش تقلیدی بر نگرش تحقیقی، صنفی شدن دین. به اعتقاد او کاوش در این موانع که به شیوه استقرایی به دست آمده‌اند، ما را یاری می‌کند تا به تدریج از نگرش جزئی و غیرانتقادی نسبت به دین، دین‌داری و معرفت دینی، به سوی رویکرد انتقادی و گفت‌وگو محور حرکت کنیم. چنین حرکتی آغاز

پیش‌گفتار ۲۵

پذیرش واقعیت انتقادپذیری در حوزه دین و نیل به پیشرفت‌های قابل توجه در آن است.

نوشتار هشتم را با عنوان «موانع نقد در دنیای سیاست با تکیه بر ایران و جهان اسلام معاصر» دکتر محمدحسین جمشیدی نوشته است. دکتر محمدحسین جمشیدی، در سال ۱۳۶۲ وارد رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران شد. او سپس کارشناسی ارشد را از دانشگاه تربیت مدرس و دکترای تخصصی خود را با گرایش اندیشه‌های سیاسی از دانشگاه تهران اخذ کرد. هم‌زمان با تحصیل با برخی مراکز پژوهشی چون مرکز اسناد انقلاب اسلامی و مرکز تحقیقات جنگ سپاه همکاری می‌کرد. از سال ۱۳۷۵ به‌عنوان هیأت علمی در پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی به کار مشغول شد و از سال ۱۳۸۸ وارد دانشگاه تربیت مدرس شد و به‌عنوان عضو هیأت علمی رشته روابط بین‌الملل به آموزش و پژوهش مشغول شد و اکنون نیز دارای درجه دانشیاری است. در حوزه آموزش در مراکز دانشگاهی چون دانشگاه شیراز، قزوین، امیرکبیر، تربیت مدرس، پژوهشکده امام خمینی، دوره عالی جنگ، دفاع ملی و... تدریس نموده و راهنمایی و مشاوره ده‌ها رساله و پایان‌نامه را بر عهده داشته است. در حوزه پژوهش تاکنون ۵۰ جلد کتاب (۱۸ مورد مستقل و بقیه با همکاری دیگران) منتشر نموده است. از مهم‌ترین آثار مستقل او می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: (۱) «نظریه عدالت»؛ (۲) «رخ اندیشه: روش‌شناسی شناخت اندیشه‌های سیاسی»؛ (۳) مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در جهان؛ (۴) «اندیشه سیاسی شهید سید محمدباقر صدر»؛ (۵) «اندیشه سیاسی در عصر میانه اسلامی»؛ (۶) «دیپلماسی پیامبر»؛

۲۶ فلسفه و اخلاق نقد

(۷) «مبانی و روش‌شناسی تبیین» و (۸) «اندیشه سیاسی امام خمینی». به علاوه حدود ۲۰۰ مقاله در نشریات گوناگون داخلی و خارجی و همایش‌های بین‌المللی و داخلی از وی چاپ شده است.

چکیده نوشتار هشتم: هدف این نوشتار ارائه نگرشی نظری برای فهم موانع نقد در دنیای سیاست با تکیه بر ایران و جهان اسلام معاصر است. دنیای سیاست، عرصه زیست عمومی و در نتیجه مهم‌ترین عرصه زندگانی است. عرصه‌ای که با محوریت قدرت و اقتدار سیاسی تعیین‌بخش و معناگر سایر حوزه‌های زندگانی بشر است و به همان اندازه محل سوءاستفاده جباران و دنیاطلبان و عوام‌فریبان نیز است. بر همین مبنا، در عین تأثیر انقیادپذیری عقلانی و منطقی بیش از هر حوزه‌ای دیگر، نیازمند نقد و انتقاد مستمر و دایمی است. نقدی که ناظر به نیازها و چالش‌ها و دغدغه‌ها و در نتیجه مسئله اصلی جامعه و افراد است. این در حالی است که در برابر چنین نقدی موانع عدیده‌ای به‌ویژه در جامعه ما پدیدار گشته است؛ بنابراین، ضرورت توجه به شناخت این موانع در جهت بازنگری رابطه میان مردم و مسئولان امر، مسئله‌ای اساسی و تعیین‌کننده است. به‌ویژه که درک درست موقعیت کنونی و هم‌زمان برنامه‌ریزی برای آینده‌ای مطلوب می‌تواند در این میان راه‌گشا باشد. پرسشی که این نوشتار در پی پاسخ دادن به آن است این است که موانع اساسی و بازدارنده نقد در دنیای سیاست به‌ویژه در ایران و جهان اسلام چیست؟ در پاسخ به این پرسش با نگرشی علی - نظری در پی بررسی علل و عواملی هستیم که به مثابه مانع به بازدارندگی تحقق نقد و انتقاد در عرصه سیاست منجر می‌گردند.

پیش‌گفتار ۲۷

نوشتار نهم با عنوان «موانع و معوقات تحقق نقد» تألیف دکتر مهدی عباس‌زاده است. او دانشیار گروه معرفت‌شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است. تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی در رشته فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترای خود را در رشته فلسفه محض در دانشگاه علامه طباطبایی به انجام رسانده است. حوزه‌های مطالعاتی مورد علاقه وی عبارت‌اند از: معرفت‌شناسی، فلسفه اسلامی، فلسفه قرون وسطا و فلسفه دین. او تاکنون، سه تحقیق خویش را به چاپ رسانده، یک تحقیق در دست چاپ دارد و تحقیقات دیگری نیز در دست اجرا دارد. تحقیقات وی عبارت‌اند از: ۱) تأثیر ابن‌سینا بر فلسفه دین؛ اسکوتوس؛ ۲) نظام معرفت‌شناسی اشراقی سهروردی؛ ۳) الهیات انگریستانس؛ سیری تطبیقی انتقادی در افکار و آرای جان مک‌کواری؛ ۴) جستارهای فلسفی. تحقیق «نظام معرفت‌شناسی اشراقی سهروردی»، به‌عنوان اثر شایسته تقدیر جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی سال ۱۳۹۶ برگزیده شده است. وی تاکنون، سی مقاله علمی پژوهشی را به چاپ رسانده و چند مقاله علمی پژوهشی در دست چاپ دارد. او همچنین حدود سی مقاله علمی در مجلات تخصصی و مجموعه مقالات همایش‌ها به چاپ رسانده تاکنون در چند همایش علمی در خارج کشور به ارائه مقاله پرداخته است. داوری علمی حدود یک‌صد تحقیق یا مقاله علمی نیز در کارنامه وی به چشم می‌خورد. تدریس دروس فلسفه اسلامی و غربی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، از دیگر فعالیت‌های علمی وی است. او هم‌چنین به‌عنوان استاد مدعو نمونه دانشگاه علوم قرآن و حدیث در سال ۱۳۹۵

برگزیده شده است. وی هم‌چنین راهنمایی چند پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام را به انجام رسانده است. اجرای «طرح تخصص‌گرایی پژوهش و فناوری در علوم انسانی و هنر» برای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (معاونت پژوهش و فناوری)، جزء فعالیت‌های بیرون‌سازمانی وی است. برگزاری پنج کرسی ترویجی، چهار نشست علمی و حدود ده مصاحبه یا یادداشت علمی، از دیگر فعالیت‌های علمی وی است. او در برخی مؤسسات و مجامع علمی عضویت داشته که اهم آن‌ها عبارت‌اند از: عضو وابسته قطب علمی «فلسفه دین»، عضو هیأت مدیره انجمن علمی «فلسفه دین ایران»، عضو انجمن علمی «تاریخ فلسفه»، عضو شورای علمی همایش بین‌المللی «فلسفه دین معاصر (فلسفه تطبیقی)»، برخی سوابق علمی - اجرایی وی نیز عبارت‌اند از: معاون پژوهشی و آموزشی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مدیر گروه معرفت‌شناسی فرهنگ و اندیشه اسلامی.

چکیده نوشتار نهم: نویسنده مقاله معتقد است نقد، فعالیت مهم، ضروری، قدرتمند و پیچیده است. وی نخست تعریفی اجمالی از نقد عرضه می‌کند و بر این باور است که نقد: عبارت است از ارزیابی و نکته‌سنجی روشمند و بی‌طرف و بازگویی نقاط قوت و ضعف یک یا چند گفتار، نوشتار یا اثر - اعم از بینشی، گرایشی، منشی، کنشی، ارزشی و روشی - در نسبت با دیدگاه دیگری. آنگاه به موانع و مُعدلات متعددی که می‌توانند در فرآیند تأسیس، تثبیت و توسعه نقد تأثیرگذار باشند، می‌پردازد.

بیش‌گفتار ۲۹

از نظر نویسنده موانع، کارکردی منفی و فرو کاهنده در فرآیند نقد دارند؛ اما معادات، نقش مثبت و فزاینده ایفا می‌کنند. همچنین خاطر نشان می‌کنند که تأثیر موانع و معادات بر فرآیند نقد، گاه به نحو مستقیم و گاه به نحو غیرمستقیم است. وی موانع و معادات نقد را به دو دسته درونی / انفسی و بیرونی / آفاقی تقسیم می‌کند و معتقدند که موانع و معادات درونی نقد عواملی هستند که به درون وجود ناقد - عالم نفس یا ذهن او - تعلق دارند؛ اما موانع و معادات بیرونی نقد عواملی هستند که به بیرون از وجود ناقد - عالم خارج - راجع‌اند.

از اظهارات او چنین برمی‌آید که در فرآیند نقد، عوامل درونی نسبت به عوامل بیرونی، اولویت دارند یا نقش مؤثرتری ایفا می‌کنند و بدون رفع موانع درونی و تقویت معادات درونی، عملاً امکان تحقق نقد سازنده یا منتفی است یا با دشواری مواجه خواهد شد.

نوشتار دهم با عنوان «نقد ساختارشکنانه بر «نقد» در ایران» نوشته دکتر محمد اصغری است. او اکنون عضو هیأت علمی و دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز است. دکترای او در رشته فلسفه‌های معاصر غرب از دانشگاه شهید بهشتی است. او در کارنامه علمی خود تألیف ۳ جلد کتاب، ۴ جلد ترجمه کتاب، ۲۵ مقاله علمی و پژوهشی، ۴۰ مقاله علمی و ترویجی، ۲۲ مقاله در همایش‌های داخلی را دارد. او اکنون هم‌چنین سردبیر مجله علمی «پژوهش‌های فلسفی» دانشگاه تبریز و نیز مدیر گروه فلسفه همان دانشگاه هستند. عنوان برخی از کتاب‌های او به شرح زیر است: (۱) «درآمدی بر فلسفه‌های معاصر غرب (از هوسرل تا رورتی)»؛ (۲) «مکتب کیوتو: آشنایی با فلسفه ژاپن»؛ (۳) «نگاهی به فلسفه ریچارد رورتی»؛ (۴)

۳۰. فلسفه و اخلاق نقد

ترجمه کتاب «پراگماتیسم: پرسشی گشوده» نوشته هیلاری پاتنم؛ (۵) ترجمه کتاب «حقیقت پست مدرن» نوشته ریچارد رورتی؛ (۶) ترجمه کتاب «انگیزه‌هایی که هوسرل را به ایده‌آلیسم استعلایی سوق دادند» نوشته رومن اینگاردن؛ (۷) ترجمه کتاب «اخلاقی برای امروز» نوشته ریچارد رورتی. او اکنون در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری رشته فلسفه دانشگاه تبریز تدریس می‌کند.

چکیده نوشتار دهم: در این گفتار سعی شده است به ارزیابی انتقادی از نقد در بستر جامعه روشنفکری ایرانی پرداخته شود و در این راستا از روش ساختارشکنی دریدایی استفاده شده است. فرضیه نویسنده مبتنی بر آن است که منتقدان و روشنفکران ایرانی همواره اسیر نوعی «متافیزیک حضوری» بوده و هستند و تمایلی به پرسش در باره مفروضات مسلم خود ندارند و آن‌ها را به عنوان سنگ‌های زیرین نظام فکری خود برگزیده و نقد خویش را بر آن استوار ساخته‌اند.

نکته مهم دیگر این که معرفت‌شناسی فرایند نقد، امری مغفول در نقدهای بسیاری از روشنفکران ما است. نویسنده این گفتار معتقد است که می‌توان با تغییر نگرش به موضوعی مثل نقد، محاسن و معایب آن را جهت اصلاح امور بهتر شناخت. برای انجام این کار به سراغ برخی از روشنفکران ایران مانند جلال آل احمد، احمد فردید، داریوش شایگان رفته است تا نشان دهد که علی‌رغم جایگاه والای اندیشه این روشنفکران در قلمرو تفکر و نقد معاصر، در حوزه‌های مختلف فرهنگی، پیش‌فرض گرفتن برخی اندیشه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات و در نتیجه

پیش‌گفتار ۳۱

غلطیدن به مسلمات و دوگانه‌انگاری‌ها بر نقد و فرایند نقد خودشان نقدی وارد نکرده‌اند.

بنابراین، نویسنده ابتدا به بررسی مبانی نظری رویکرد ساختارشکنانه نقد اشاره کرده و سپس به سراغ اندیشه چند متفکر ایران رفته و در نهایت نشان داده است که وقتی متفکر به فرایند نقد خود و ارزیابی مفاهیم مسلم و بدیهی انگاشته شده در اندیشه خویش توجه نداشته باشد، در حالی از جزمیت و مطلق‌انگاری گرفتار خواهد شد و نمی‌تواند واقعیت پویا و دینامیک اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه خود را ارزیابی و درک نماید.

نوشتار یازدهم با عنوان «فقدان اخلاق نقد در گفتمان علمی و فرهنگی ایران امروز» را دکتر حسن مهرنیا نوشته است. او استادیار گروه فلسفه و عضو هیأت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران است. وی دانش‌آموخته مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه تهران و دکترای فلسفه محض از دانشگاه علامه طباطبایی است. در کارنامه علمی ایشان ۱۸ مقاله علمی- پژوهشی، ۸ مقاله منتشر شده در همایش‌ها و کنفرانس‌های داخلی، ۵ مقاله منتشر شده در کنفرانس‌های بین‌المللی، دو جلد کتاب تصنیفی چاپ شده و تعداد زیادی مقالات علمی ترویجی و علمی تخصصی وجود دارد. حوزه اصلی تخصص ایشان در رشته فلسفه غرب، ایدئالیسم آلمانی، فلسفه قاره‌ای، فلسفه سیاست، فلسفه معاصر و فلسفه کلاسیک یونان و روم است. ایشان در طی سال‌های گذشته معاونت علمی دانشکده الهیات پردیس فارابی دانشگاه تهران، معاونت اداری- مالی پردیس فارابی، مدیریت گروه فلسفه، دبیری دفتر نظارت بر آموزش عالی

۳۲ فلسفه و اخلاق نقد

استان قم و چندین مسئولیت اجرایی دیگر را به عهده داشته‌اند و هم‌اکنون در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای فلسفه دانشگاه تهران تدریس می‌نمایند.

چکیده نوشتار یازدهم: مؤلف این نوشتار خاطر نشان می‌کند که نقد و انتقاد از گذشته‌های دور در محافل علمی و ادبی و در فضاهاى دینی و آکادمیک مورد توجه جدی بوده و همواره با نگرشی مثبت و همدلانه به منظور تعالی فرد و جامعه به کار می‌رفته است؛ اما متأسفانه با پیشرفت علم و دانش و آگاهی بشری و شروع مدرنیته، به تدریج این رویکرد بنا به ملاحظات سیاسی و اقتصادی و شاید به دلیل افول بسیاری از ارزش‌های انسانی و اخلاقی، این مهم به فراموشی سپرده شد. به گونه‌ای که امروزه کمتر کسی را می‌توان یافت که حاضر باشد ضمن رعایت اخلاق نقد، به نقد اخلاقی گفتار، نوشتار و عملکرد فرد و جامعه یا یک ساختار و نظام پردازد.

او معتقد است یکی از حوزه‌هایی که در جامعه امروز ما به‌طور ویژه نیازمند سنجش، نقد و ارزیابی است، حوزه فرهنگ و آموزش عالی است. نویسنده در این نوشتار تلاش نموده است این مسئله مهم را مورد واکاوی قرار دهد. وی معتقد است که با بررسی وضعیت فرهنگی و نظام آموزش عالی کشور در دهه اخیر و تحلیل نقاط قوت و ضعف آن، می‌توان در مجموع نتیجه گرفت که به‌رغم تلاش‌های ارزشمندی که در طی سال‌های گذشته در این دو حوزه صورت پذیرفته است، جامعه ما هنوز با چالش‌های جدی مواجه است و اگر نتوان با اتخاذ

پیش‌گفتار ۳۳

تدابیر درست و منطقی این چالش‌ها را برطرف نمود، شاهد گسست نسل جوان امروز از نظام و انقلاب و ارزش‌های دینی و انسانی خواهیم بود.

نوشتار دوازدهم با عنوان «اخلاق نقد در قلمرو روشنفکری دینی» تألیف دکتر جلال پیکانی است. او دارای مدرک کارشناسی مهندسی ماشین‌های کشاورزی از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه تبریز و دکترای فلسفه از دانشگاه علامه طباطبایی است. وی عضو هیأت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور است. دکتر پیکانی از پایه‌گذاران انجمن فلسفه تبریز است. این انجمن در این چند سال به‌طور مستمر دوره‌ها و سخنرانی‌های فلسفی ارائه می‌کند. بخش اعظم فعالیت‌های فلسفی او میان ترجمه آثار فلسفی و فعالیت در این انجمن تقسیم شده است. تاکنون «فلسفه اتمیسم منطقی» از برتراند راسل، «تاریخ فلسفه تحلیلی» از اندرس و ذبرگ (با همکاری آقای دکتر ندرلو)، «معرفت‌شناسی» از ریچارد فیومرتون و «رساله‌ای درباره طبیعت آدمی» از دیوید هیوم را ترجمه کرده است. در سال ۹۶ کتاب تألیفی «نظریه‌های متأخر توجیه و شناخت» را منتشر کرده است. او اخیراً کتاب کلاسیک و مهم «سلوک المالک فی تدبیر الممالک» اثر ابن ابی ربیع را از عربی به فارسی ترجمه کرده است.

چکیده نوشتار دوازدهم: روشنفکری دینی به اقتضا ماهیت خود از یک‌سو، یکسره وضع موجود دین و دین‌داری را نقد می‌کند و از سوی دیگر، با نقدهایی مسلسل‌وار مواجه می‌شود؛ بنابراین لزوم مداخلیت اخلاق نقد در آنجا بیش‌تر احساس می‌شود. در این مقاله تلاش شده است تا نشان داده شود که در نزد روشنفکران دینی منتخب، یعنی عبدالکریم سروش، مصطفی‌ملکیان و محمد

مجتهد شبستری، اخلاق نقد در مقام یک بحث اصلی و محوری مطرح نشده است و صرفاً به طور پراکنده و در لابه‌لای پاسخ به منتقدان مورد اشاره قرار گرفته است. عبدالکریم سروش، مصطفی ملکیان و محمد مجتهد شبستری هیچ‌کدام دربارهٔ اخلاق نقد به جد و با طول و تفصیل سخن نگفته‌اند. نویسنده معتقد است که هر سه متفکر به نحوی زمینه را برای عدم رعایت اخلاق نقد توسط منتقدان خویش فراهم کرده‌اند. روشنفکری دینی به دلیل این‌که سخنرانی، روزنامه و مجلات روشنفکری را بستر عرضه خود انتخاب کرده است، به دشواری می‌تواند از یک‌سو، اخلاق نقد را به‌درستی رعایت بکند و از سوی دیگر با رعایت اخلاق نقد و بر وفق آن، نقد بشود.

نوشتار سیزدهم با عنوان «آسیب‌شناسی اخلاق نقد اندیشه‌های جدید در حوزه علمیه قم» نوشتهٔ دکتر سیدشهاب‌الدین حسینی است. او اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی تهران است و علاقهٔ پژوهشی او معطوف به حوزه‌های فلسفه دین، عرفان تطبیقی، ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی و عرفان‌های نوظهور، کلام جدید است و البته در دو سنت حوزه و دانشگاه تحصیل کرده است. در حوزه علمیه قم و تهران ادبیات عرب، معانی و بیان، فقه و اصول، کلام، تفسیر، عرفان و فلسفه اسلامی، چهارده سال درس خارج فقه و اصول را در خدمت استادان: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، وحید خراسانی و در فلسفه اسلامی: شرح المنظومه، الاشارات و التنبیها، شواهد الربوبیه، شفاء، اسفار ج ۱ تا ۹، در خدمت استادان: فیاضی، جوادی آملی، حسن‌زاده آملی، ممدوحی کرمانشاهی، مصطفوی، در عرفان اسلامی: فصوص الحکم ابن العربی و منازل السائرین خواجه

پیش‌گفتار ۳۵

عبدالله انصاری، در خدمت استادان: مرتضایی، حسن‌زاده آملی سپری کرده است. او دارای دکترای عرفان اسلامی از واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی است. برخی از تألیفات او عبارت‌اند از: (۱) «نگاهی نوبه تفسیر المیزان»؛ (۲) «الوحده الاسلامیه فی الاحادیث المشترکه بین السنه والشیعه»؛ (۳) «جامعه‌شناسی دینی در نهج البلاغه»؛ (۴) «عرفان اسلامی و راه‌کارهای ترویج آن در رسانه». وی هم‌چنین مقالات متعددی در حوزه‌های فلسفه دین، عرفان اسلامی و نوظهور و تنوع ادیان، در همایش‌ها و نشست‌ها و عموماً در عرصه‌های قرآن دارد.

چکیده نوشتار سیزدهم: در این نوشتار نویسنده به موضوع اخلاق نقد در خصوص اندیشه‌های جدید در حوزه علمیة قم و آسیب‌شناسی آن پرداخته است. به باور او یکی از مهم‌ترین نشانه‌های شکوفایی اندیشه و نیز از علائم پویایی یک جامعه، رونق مباحثات، تبادل افکار و تضارب آراء و طرح اندیشه‌های جدید در مراکز علمی به‌ویژه حوزه‌های علمیه است. حوزه‌ها و دیگر مراکز پژوهشی و آموزشی، میراث دار اندیشه‌های دینی‌ای هستند که بیش از هزار سال پیش درگذر اعصار و فراز و فرودها، پیام اسلام و معارف اهل‌بیت (ع) را پاس داشته‌اند و با درس و بحث و مجاهدت خویش این معارف را برای تشنگان حقیقت بیان کرده و نگاهشته‌اند. این مراکز علمی همواره با اندیشه‌های نو مواجه بوده و هستند؛ اما بیان اندیشه‌های نو همواره با آسیب‌هایی مواجه است.

مؤلف این گفتار درصدد است که با روش نظری و تحلیلی اخلاق نقد اندیشه‌های نو در حوزه علمیة قم را که از بزرگ‌ترین مراکز علمی و دینی است آسیب‌شناسی کند. وی در این پژوهش به دنبال آن است که نشان دهد عالمان و

۳۶ فلسفه و اخلاق نقد

اندیشمندان دینی و فرهیختگان حوزوی در مواجهه با اندیشه‌های نوپدید چه رویه‌های پیش گرفته و چگونه با آن به تعامل پرداخته یا می‌پردازند؟ و با توجه به مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اخلاق نقد و اهمیت آن به چه میزان اخلاق نقد را پاس داشته و می‌دارند؟ او جریان‌های موجود در حوزه را سه جریان اجتهادگرایان، عقل‌گرایان و نص‌گرایان تقسیم می‌کند و هرکدام در پاسداشت اخلاق نقد مواجهه‌های گوناگونی دارند. به اعتقاد او عقل‌گرایان و اجتهادگرایان از نقد استقبال می‌کنند، گرچه با موانعی نیز مواجه‌اند، ولی نص‌گرایان به دلیل تصلب-شان نقد را برنمی‌تابند. تأمل در نقاط ضعف و قوت نقد اندیشه‌های نوپدید در این مراکز علمی، فقهی و دینی می‌تواند راه‌گشا باشد.

در پایان شایسته است که از دکتر علی میرخان رئیس و دکتر روح‌الله مدامی قائم مقام مجمع فلاسفه ایران برای فراهم نمودن همه شرایط و زمینه‌های لازم برای به ثمر نشستن این اثر تشکر و سپاسگزاری نماییم.

محمد اکوان / قدرت‌الله قربانی